

# واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

Glossy	براق ویژگی سطحی که بازتابش آینه‌ای آن بیش از بازتابش پراکنده سطح است.
Glossiness	براقی خصیصه‌ای در جلوه ظاهری سطح که میزان آن در گستره مات تا براق قابل تعریف است.
Gloss, luster	براقیت خاصیت انعکاس آینه‌ای سطح.
Gloss(i)meter	براقیت‌سنج سنج‌افزاری برای اندازه‌گیری براقیت که تابعی از مشخصات بازتابش نفوذی و آینه‌ای ماده است.
Staining antioxidant	پاداکسنده لکه‌زا پاداکسنده‌ای که محصولات اکسایش آن رنگی (اغلب زرد) است و بنابراین باعث رنگی شدن بسیار یا ماده مجاور بسیاری می‌شود که از آن محافظت می‌کند.
Long oil	پر روغن ویژگی رزینی که محتوای روغن آن زیاد است.
Powder coating	پوشانش پودری یکی از روش‌های پوشانش ماده پوششی که در آن از رنگدانه و پیونده جامد استفاده می‌شود و در طی آن، پیونده جامد بر اثر گرما ذوب می‌شود و پس از سرد شدن، پوشش رنگدانه‌دار پدید می‌آید.
Sinter coating	پوشانش تفجوش نوعی فرآیند پوشانش که در آن قطعه را تا دمای تفجوشی گرما می‌دهند و در پودر پلاستیک غوطه‌ور می‌کنند، سپس آن را بیرون می‌کشند و دمای آن را به قدری بالا می‌برند تا پودری که به سطح چسبیده است، جوش بخورد و پوسته یکپارچه‌ای را روی قطعه تشکیل دهد.
Airdrying paints	پوشرنگ‌های هواخشک پوشرنگ‌هایی که در معرض هوا و بدون گرما دادن خشک می‌شوند و فیلم تشکیل می‌دهند.
Chipping	تراشه پرانی برداشتن پوشرنگ یا رنگ یا جرم به روش مکانیکی.
Chipping	تراشه‌پری جداشدن جزئی یا کامل فیلم پوشرنگ خشک به صورت پرک، بر اثر صدمه ناگهانی یا سایش در حین کار.
Full gloss	تمام براق ویژگی سطحی که در تمام زوایا صاف و آینه‌ای دیده می‌شود.
Luster	جلا

# واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

براقیت ناشی از کنار هم بودن نواحی تاریک و روشن در سطح شیء.

**Lustering**

**جلادهی**

عملیاتی برای ایجاد جلا در نخ یا پارچه به کمک گرما، فشار، بخار، اصطکاک، غلطک‌کاری یا نظایر آن.

**Gloss retention**

**حفظ براقیت**

میزان حفظ برقه (sheen) اولیه پوشش

**Solvatochromism**

**حلال رنگی**

قابلیت ماده در تغییر دادن رنگ خود بر اثر تغییر قطبایی حلال.

**Antistaining properties**

**خواص ضد لک**

مقاومت سطوح در برابر نشستن لکه‌های روغن پایه یا آب پایه بر آنها.

**Forced drying temperature**

**دمای وادار خشکانی**

دمایی بین دمای محیط و دمای معمول کوره‌پزی (۶۵/۶ درجه سانتیگراد)

**Vat dyes**

**رَزانه‌های خمی**

دسته‌ای از رزانه‌های نامحلول در آب که به شکل کاهیده، یعنی محلول در آب، روی لیف به کار می‌روند و پس از اکسایش مجدد، به حالت اصلی، یعنی نامحلول در آب، باز می‌گردند.

**Lake dyes**

**رَزانه‌های رزدانه‌ای**

دسته‌ای از رزانه‌ها که با نمک‌های کلسیم، باریم، کروم یا آلومینیم ترکیب یا جذب آنها می‌شوند و رزانه ایجاد می‌کنند.

**Sulphur dye**

**رَزانه‌های گوگردی**

دسته‌ای از رزانه‌های نامحلول در آب و بر پایه گوگرد که به شکل کاهیده و حل شده در محلول سدیم سولفید بر روی لیف به کار می‌روند و سپس برای بازگشتن به حالت اصلی، تحت اکسایش مجدد قرار می‌گیرند.

**Lake, colour lake, lake colour**

**رَزدانه**

نوعی رنگدانه متشکل از ماده رنگی آلی و انحلال‌پذیر که به پایه‌ای معدنی پیوند خورده است.

**Dyeing auxiliaries, dyeing assistants**

**رَزَش یار**

مواد مختلفی که برای تسهیل رَزَش به حمام رنگرزی (dye bath) افزوده می‌شود.

**Stain**

**رنگانه**

محلولی دارای رنگدانه یا رزانه که از آن برای رنگ کردن چوپ و پارچه و بافت‌های مشابه استفاده می‌کنند.

**Staining agent**

**رنگانه**

در بررسی‌های میکروسکوپی، عاملی که توانایی رنگانه‌زنی ماده تحت بررسی را دارد.

**Spirit stain**

**رنگانه الکل پایه**

رنگانه حاصل از حل شدن رزانه در آب.